

امپراتوری سه

یک حرف مفصل

سال‌ها از آثاری و آثاری دستی‌های سیاه و سفید گذشته است. خیلی وقت است که در خانه‌ها پیدا می‌شود و به قول بچه‌ها برکت از کوچکی توپ‌های فوتبال لاچری هم رو به انقراض معنای عامش نه فقط اینترنت و فضای مجازی

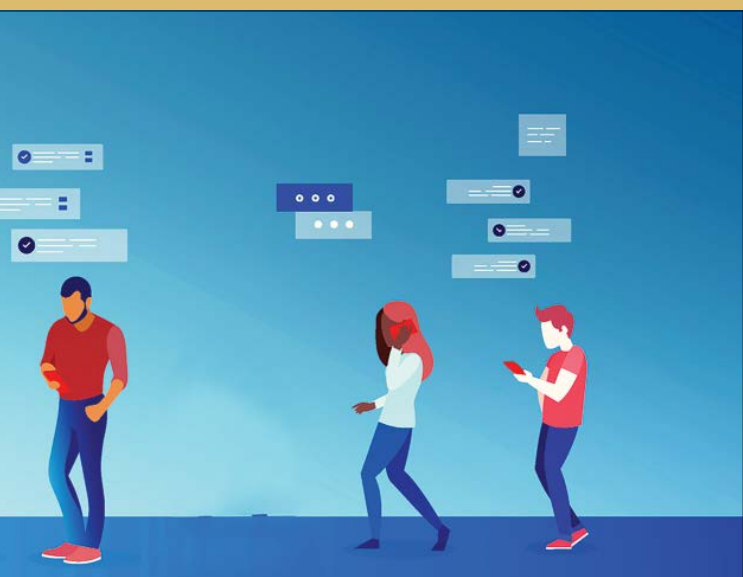
نوبین باشد شلوغ است و شاید قوی‌تر شدن روز به روزش دارد آینده‌کسل‌کننده به‌ظاهر قابل پیش‌بینی منفرجه شدن پیچ‌ها و واکی‌تاک‌ها در کشور لبنان یکی از عجیب‌ترین خبرهای دنیا می‌شود؛ خبری که



زهرا قربانی

دبیر

نوجوانه



برسند و طبیعتاً آن وقت مردم بیشتری داشته باشند. چرا که خواسته‌ها و نیازهایشان به پس‌ازمندی افراد به سطح معیشتی به دنبال محرک‌های بیشتری کالا و ارائه خدمات جدید هستند. را برآورده کند.

تکنولوژی نه خوشبختی به وجود فقط مجموعه‌ای از اقدامات یا به انجام رساندن چیزی کنار هم خوب یا بد بودن آن، به نحوه استفاده دارد. درواقع می‌توانیم این‌گونه بگوییم است. مردم به تدریج نسبت به خواسته‌های آنها روز به روز افزایش باعث نارضایتی و حتی عصبانیت روبرو شد تکنولوژی می‌شود. به شده‌اند و دائماً راه حل‌ها و ابزارها را درخواست می‌کنند.

فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی، اینترنت اشیا، و فناوری‌های دیجیتالی دیگر بر اقتصاد، سیاست و اجتماع باشد. در چنین دنیایی، موازنه قدرت ممکن است به شدت تحت تأثیر پیشرفت‌های فناوریانه قرار گیرد و کشورهایی که در این زمینه‌ها عقب بمانند، ممکن است در معرض خطر کاهش نفوذ و قدرت خود باشند.

در مجموع، این مفهوم بر اهمیت روزافزون فناوری در شکل دهی به آینده جهانی تأکید می‌کند و پیش‌بینی می‌کند که فناوری‌ها چگونه می‌توانند معادلات قدرت سنتی را تغییر دهند.

حالا باید ببینیم این پیشرفت تکنولوژی چقدر به خوشحالی و حال خوب جوامع کمک کرده است. رابطه بین پیشرفت تکنولوژی و میزان رضایت از زندگی مانند یک تیغ دولبه است که با کمی لغزش نتایج متفاوتی به بار می‌آورد. این نتیجه به‌طور مستقیم با میزان استفاده ما از تکنولوژی مرتبط است. معلوم است که تکنولوژی در حوزه بازی‌های دیجیتال حساسی حال آدم را جا می‌آورد و افزایش انرژی و هزار جور نکته مثبت توی زندگی آدم دارد، اما باز همان بازی هم اندازه دارد.

به‌طور کلی برای پاسخ دادن به این سؤال که آیا تکنولوژی و فناوری باعث رضایت از زندگی می‌شود یا نه باید بگوییم اگر در فرآیند پیشرفت تکنولوژی، انواع محصولات و خدمات جدیدی ایجاد شود که زندگی مردم را با کیفیت کند، می‌توانیم فرض کنیم که در زمان‌های خاصی ممکن است افراد شادتر به نظر

آشکار و پنهان می‌کند.

تکنولوژی ما را می‌بهد خود کرده است. وابستگی ما به اشیای تکنولوژیک دیگر از وابستگی ابزاری گذشته و به وابستگی عاطفی رسیده و خیلی‌هایمان فکر می‌کنیم اگر روزی کره زمین در معرض انقراض باشد، بالاخره مثل همه فیلم‌های آخرالزمانی، ترکیب تکنولوژی و ابرانسان‌ها ما را نجات خواهد داد. اما تجربه تاریخی به ما نشان می‌دهد ماجرا به این سادگی نیست. تکنولوژی نمی‌تواند به سؤال‌ها و بحران‌های بشریت پاسخ دهد.

چندین سال پیش زمانی که لباس‌هایی با طرح‌های چرک و پاره در فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای داشت به سرعت به مد روز تبدیل می‌شد، امیدی کاملاً جدید هم برای آینده تمدن در حال ظهور بود. سیاستمداران، منتقدان اجتماعی و بسیاری از دانشگاهیان این‌طور می‌گویند که اینترنت جهان را یکسره آزاد و دموکراسی را در همه جا برقرار خواهد کرد. اینترنت جریان اطلاعات و مبادله کالاها را آزاد می‌کند و با تمامی نیروهایی که اینترنت به ارمغان می‌آورد، هر شخص، خود مؤلف می‌شد. همان‌طور که مثالش را در اپلیکیشن‌هایی مثل اینستاگرام می‌بینیم، اینترنت به کاربران امکان می‌داد تا با هویت‌های خود بازی کنند و در برابر پذیرش مفاهیم قدیمی و ثابت خود مقاومت کنند و هر روز بتوانند یک من جدید از خودشان نشان دهند. نظریه پردازان ادعا می‌کردند که خاصیت غیرمتمرکز و همه‌جایی بودن اینترنت در برابر تمامیت‌خواهی مقاومت می‌کند. دیگر این‌طور نیست که نبض دست یک کشور خاص باشد. حالا تکنولوژی اینترنت همه جا را مال خود کرده است. بیل کلینتون، طی سفری به چین، به گزارشگران چنین گفت که محدود کردن اینترنت «تقریباً مثل آن است که بخواهید ژله را به دیوار بچسبانید.»

مفهوم technopolarworld یا دنیای فناوری قطبی، دنیایی است که شرکت‌های فناوری در آن نفوذ بی‌سابقه‌ای در صحنه جهانی دارند. جایی که حاکمیت و نفوذ توسط جغرافیا و تمامیت ارضی یا قدرت نظامی تعیین نمی‌شود و کنترل بر داده‌ها، سرورها و مهم‌تر از همه الگوریتم‌ها حرف اول را می‌زند و بخش‌های کلیدی زندگی روزمره مردم و حتی برخی از عملکردهای ضروری دولت، به‌طور چشمگیر و روزافزونی در دنیای دیجیتال وجود دارد. الان زور دست آن کسی است که تکنولوژی‌های بهتر و بیشتری در چنته‌اش داشته باشد.

فهوم technopolarworld اشاره به یک نظریه یا تحلیل جهانی دارد که در آن فناوری نقش محوری در تعیین ساختار قدرت و نفوذ در سطح جهانی دارد. در این سناریو، قدرت و تأثیرگذاری کشورها، مناطق یا سازمان‌ها براساس توانایی‌های فناوریانه‌شان سنجیده می‌شود. به عبارت دیگر، کشورها یا شرکت‌هایی که در توسعه و به‌کارگیری فناوری‌های پیشرفته پیشگام هستند، ممکن است نقش‌های برجسته‌تری در عرصه بین‌المللی ایفا کنند.

این تئوری هم چنین می‌تواند شامل بررسی تأثیرات

تکنولوژی از تاریخچه تا رضایت بخشی

شاید بهترین و کامل‌ترین تعریفی که درباره تکنولوژی خواندم از کارل میچام، استاد کالج ماینز کلرادو، در مصاحبه با سایت اسپیکس در سال ۲۰۰۱ بود که این‌طور می‌گوید: تکنولوژی در معنای عام و خودمانی‌اش، «ساخت و استفاده از مصنوعات» است اما باید به چهار جنبه عمیق‌تر در این پدیده توجه کنیم: اول، می‌توان این ساخت و استفاده را به اشیایی که می‌سازیم و استفاده می‌کنیم خلاصه کنیم، مثلاً ماشین‌ها و ابزارها. این «تکنولوژی در قالب شیء» است. دوم، اگر نگاه خود را به دانش و مهارت‌های مربوط به فعالیت ساخت و استفاده معطوف کنیم، با «تکنولوژی در قالب دانش» سروکار داریم.

سوم «تکنولوژی به معنای فعل یا فعالیت» است. و چهارم، جنبه دیگری هم هست که غالباً از آن غفلت می‌شود، یعنی «تکنولوژی در قالب اراده»؛ اراده‌ای که دانش را به لحاظ فیزیکی به خدمت می‌گیرد که سیستم‌ها، محصولات و فرآیندها را بسازد. این اراده تکنولوژیک به خاطر تأثیراتش بر شکل فرهنگ تأثیر می‌گذارد و در عین حال باعث استمرار خودش می‌شود. اینها چهار حالت یا جنبه مختلف ساخت و استفاده تکنولوژیک است: شیء، دانش، فعالیت و اراده.

تقریباً تا چهار قرن پیش، بخش‌های عظیمی از کشورها و جوامع، دنیای مجزایی برای خود داشتند. هندوستان، خاورمیانه، آمریکا، اروپا، ژاپن... هرکدام در دنیایی جدا از دیگران زندگی می‌کردند و هر کشور و هر قوم و ملتی دارای شیوه‌های خاص زندگی خود بود که با دیگری بسیار تفاوت داشت و ارتباطات اصلاً این‌شکلی نبود که بشود جامعه‌ای با جامعه دیگر در تعامل باشد. وقوع رنسانس که منجر به تغییر و تحولات همه‌جانبه‌ای در همه جنبه‌های علم، دانش، نوآوری، خلاقیت، ریسک‌پذیری و... شد و پیشرفت علوم و فنون و اختراعات و ابداعات در دنیای غرب باعث شد که ناگهان جوامع اروپایی از آنچنان قدرت و تسلطی برخوردار شوند که آن سرش ناپیدا و این چنین شد که دنیا را تحت سیطره خود درآوردند. بی‌شک در کسب این توان و این تسلط، تکنولوژی و توانایی‌های علمی و فنی این جوامع نقش تعیین‌کننده‌ای داشته و حرف اول را زده است.

تا اواخر قرن بیستم دنیای ما دو قطبی (Bipolar) بود. آمریکا و شوروی ابر قدرت‌های نظامی بودند که دنیا را به دو بلوک شرق و غرب تقسیم کردند؛ یعنی کشور شما یا باید این‌وری می‌بود یا آن‌وری یا شرقی یا غربی. با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ جهان تک‌قطبی (UniPolar) شد و آمریکا به خاطر برتری قدرت نظامی و اقتصادی‌اش حرفش در جهان خریدار پیدا کرد.

در سال‌های اخیر هم جهان به سمت چندقطبی (Multi Polar) شدن در حال حرکت بوده و تاریخ انقضای یک‌تازی آمریکا به پایان رسیده است. اما در سال‌های

اخیر نظریه پردازان روابط بین‌الملل با مفهوم جدیدی به عنوان جهان (Technopolar) یا دنیای فناوری قطبی، از به اتمام رسیدن نظم کلاسیک جهان خبر می‌دهند. در حوزه اقتصاد ملی، تکنولوژی بر همه چیز، از شیر مرغ تا جان آدمیزاد، اثر گذاشته و همه چیز را دچار تغییر و تحول آگاهانه و ناآگاهانه، مستقیم و غیرمستقیم و

